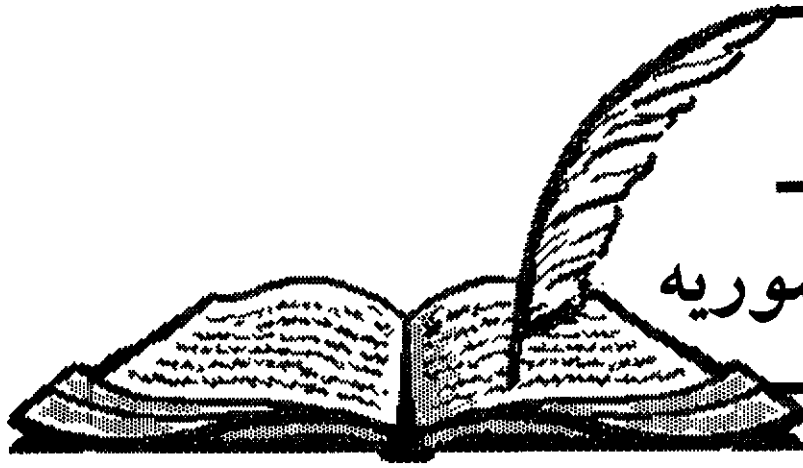


تألیف و ترجمه

و نشر کتاب در سوریه

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - دمشق



چاپ کتابها و مجله‌های ادواری فکری و فرهنگی با قیمت ارزان و درآمد عالی و سهولت در صادرات زبانزد محافل فرهنگی و انتشاراتی شد، این میداننداری به طور پراکنده تا اواسط دهه هشتاد ادامه داشت تا اینکه با ایجاد شرایط جدید سیاسی حاکم بر منطقه بکلی دچار تحول گردید و نهضت تألیف و ترجمه با رکود و نوساناتی مواجه گشت و دیگر بار بیروت و قاهره رفته رفته در خصوص چاپ و تولید جایگاه خود را باز یافته و به آن سو حرکت کردند. در این میان اگر چه لیبی در اواسط دهه هفتاد برای مدتی وارد گود تألیف و نشر و صدور کتاب در سطح منطقه گردید، ولی پایدار نبود و بزودی از گود مبارزه خارج شد. در حال حاضر مردم در کنار امارات متحده عربی کشورهای شمال آفریقا، چون تونس و الجزایر و حتی مراکش، به سمت کتاب آن هم از نوع مذهبی و اجتماعی و سیاسی که به نوعی با مشکلات این کشورها برخورد دارد روی آورده‌اند و شاید نهضت‌های فکری موجود در شمال آفریقا ملهم از نفوذ کتابهای دینی و آگاهی بخش باشد. البته مصر از این

به طور کلی دایره تألیف و ترجمه و نشر کتاب را در جهان عرب می‌توان در دو محور قاهره و بیروت خلاصه کرد. مراکزی که هر از چندی بر یکدیگر پیشی گرفته و به دلایلی یک‌تاز عرصه اندیشه و نشر و توزیع و تألیف شده‌اند. بدون تردید دهه چهل، ویژه قاهره و بیروت است. سالهایی سرشار از تلاش و جدّ و جهد و امید و حرکت در این زمینه. این دو مرکز کار خود را بدون رقیب تا اواخر دهه شصت بخوبی ادامه دادند و از آن به بعد با تغییر و تحولات سیاسی که دامنگیرشان شد رفته رفته میدان را موقتاً به دیگران واگذار کرده و در این زمینه دچار افت و خیزهای شدیدی شدند و با استفاده از این تنشها دمشق و کویت، که هریک از ویژگیهای خاص خود بر خوردار بودند، موقتاً خودی نشان دادند. استراتژی دمشق، چاپ ارزان با کیفیت متوسط در دو سطح محلی و عربی و با استفاده از دو اهرم بخش دولتی، یعنی اتحادیه نویسندگان عرب و وزارت فرهنگ و بخش خصوصی متشکل از ناشرین و علاقمندان به امر نشر و تجارت کتاب بود، اما کویت مرکز

خصوصی می چرخد. جامعه فرهنگی سوریه در حال حاضر از نظر فرهنگی و تألیف و ترجمه و نشر و مطالعه دچار بحران شده است؛ به گونه ای که به نوعی سر در گمی و بی مسؤولیتی و عدم احساس وظیفه بر کلیه بخشها، اعم از دینی و ملی و دانشگاهی آن، سایه افکنده است و در این میان بیش از هر چیز این نسل جوان است که معلق مانده و به سمت بی هویتی و پوچی در حرکت است. آمارهای کنونی گویای این است که اگر جمعیت خاورمیانه را ۲۰۶۱۴۴۰۰۰ نفر بدانیم و در صورتی که از هر کتاب در تمامیت جهان عرب بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نسخه به چاپ برسد. در فرض نخست به هر ۶۸۷۱۴ نفر یک جلد خواهد رسید و این فاجعه ای است انکار ناپذیر که این بخش از جهان اسلام بدان دچار شده.

آمارهای ذیل گویای بسیاری از حقایق می باشد. وزارت فرهنگ سوریه در سال ۱۹۵۹ تأسیس شده است. ما حاصل تلاش و فعالیت انتشاراتی این وزارتخانه تا سال ۱۹۶۰ فقط چهار کتاب بوده که رفته رفته بر دامنه کاری خود افزوده تا اینکه دستاورد آن به سال / ۱۹۷۰ به ۳۱ عنوان افزایش یافت و در ادامه سیر صعودی عملکرد انتشاراتی این وزارتخانه، که قاعدتاً از امکانات و حمایت سیاستهای دولتهای وقت نیز بهره مند بوده است، در سال / ۱۹۷۵ به ۴۹ عنوان افزایش یافت و آخرین ترقی و اوج و کارنامه درخشان آن را می توان در سال ۱۹۸۰ م که به ۹۱ عنوان رسید مشاهده کرد. بروز مشکلات سیاسی و اقتصادی که با حمله اسرائیل به لبنان آغاز شد، اثرات منفی خود را بر روی تمامی بخشها از جمله تألیف و نشر کتاب، به جای گذاشت و بحران کاغذ و کاستیهای ارزی پدید آمد، و راندمان کاری وزارت مذکور تقریباً به صفر کاهش یافت. با مساعد شدن اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی این کشور مؤسسات فرهنگی جان دوباره گرفتند و محصول سال ۱۹۹۰ وزارت یاد شده به ۴۹ عنوان افزایش یافته است. وزارت فرهنگ در سال ۱۹۹۱ تا ماه نهم، یعنی سپتامبر، بالغ بر ۵۱ عنوان کتاب را به زیر چاپ برده است که

قاعده استثناء است، چرا که باید برای آن حساب جداگانه ای باز کرد و علت آن وجود زمینه های ایدئولوژیک و ظهور نسل مسؤول و کتابخوان و مدعی در زمینه های ایمان به اسلام مبارز است. موضوعی که هم برای غرب و هم برای دولتمردان فعلی مصر بسیار خطرناک جلوه می کند. برای فهم دقیقتر و تصویر عمیقتر این فضا، به سخنان دکتر ابراهیم دسوقی شتا، نویسنده و محقق مصری، گوش فرا می دهیم. وی می گوید: دکتر شریعتی نماینده مرحله ای از اندیشه اسلامی است که ما انتظار آن را می کشیدیم. از زمان سید قطب، جنبش تفکر اسلامی و یا جنبه فکری جنبش اسلامی از تحرك باز ایستاده بود تا اینکه شریعتی آمد. فروش سیل آسای کتابهای آن فقید در تیراژهای یکصد هزار نسخه ای حاکی از بروز یک جنبش اسلامی با مبانی ایدئولوژیک و اسلام راستین در مصر است که باید آن را حمایت کرد و با ارسال کتب مذهبی به آن ارج نهاد. قابل تذکر است که اگر سوریه پس از کشورهای چون لبنان و مصر در دوره خاصی قرار داده می شود، صرفاً تلاش آن در چاپ کتابهای نویسندگان عرب غیر سوری است، و الا تألیفات سوریها کم و ناچیز بوده است. اگر به زبان آمار سخن بگوئیم به طور کلی وضعیت تألیفات و ترجمه و چاپ در کشورهای عربی بسیار دردناک و نگران کننده است.

به عنوان مثال بخش عمومی سوریه، یعنی ارگانهای دولتی، از قبیل وزارت فرهنگ و اتحادیه نویسندگان عربی، در طول / ۴۲ سال، یعنی از سال / ۱۹۴۵ میلادی تا پایان سال / ۱۹۸۷ فقط ۲۰۶۹ کتاب چاپ کرده اند. این در حالی است که اگر جمعیت آن را دوازده میلیون نفر به حساب آوریم، برای هر ۵۷۹۹ نفر شهروند سوری فقط یک کتاب، آن هم با تیراژ حدود ۳۰۰۰ نسخه به زیر چاپ رفته است. پاشنه چرخ تألیف و ترجمه و چاپ کتاب در سوریه اکنون بر روی ارگانهای چون وزارت فرهنگ، اتحادیه نویسندگان عرب، دارالبعث، مؤسسه الوحدة، مؤسسه تشرین، هیئت التدريب از بخش دولتی، دارطلاس، الاهالی، الفکر و ... از بخش

می توان آنها را به کتابهای کودکان و فکری و اقتصادی و ادبی و اجتماعی تقسیم بندی نمود.

از جمله اقدامات مثبت وزارت فرهنگ سوریه این است که به برپایی نمایشگاههای داخلی کتاب در شهرستانها اقدام کرد و با چهل درصد تخفیف، کمکی نه چندان اساسی به دوستداران کتاب کرد.

اتحادیه نویسندگان عرب که در سال ۱۹۶۹ تأسیس شده است تا سال / ۱۹۷۰ فقط پنج عنوان کتاب به چاپ رساند و تلاش این کانون فرهنگی که رفته رفته از تشکیلات و حمایت برخوردار گشت در سال / ۱۹۷۵ به هفده عنوان بالغ شد و در سال / ۱۹۸۰ محصول انتشاراتی این کانون به ۵۳ عنوان افزایش یافت. انگاه از عوامل سیاسی و اقتصادی یاد شده متأثر شد و راندمان آن در سال / ۱۹۸۲ به ۳۸ عنوان کاهش یافت. این کانون در سال / ۱۹۹۰ بالغ بر ۵۳ عنوان را به زیر چاپ برده است و در سال / ۱۹۹۱ تا ماه دهم، یعنی اکتبر، ۲۳ کتاب را چاپ کرده است. در حالی که برنامه کاری کانون که از قبل در دستور کار قرار گرفته و مسؤولین آن اعلام کرده اند شصت کتاب بوده است که در واقع افت جدی را در عملکرد نشان می دهد.

علاوه بر این، وزارت آموزش و پرورش مسؤول تهیه و چاپ کتابهای مدرسه ای است و وزارت آموزش عالی مسؤول تهیه و چاپ کتابهای دانشگاهی است که قاعدتاً به علت پرداخت سوبسید دولتی از قیمت معقول و ارزانی برخوردار است و در کنار این وزارتخانه ها مؤسساتی چون دارالبعث، و مؤسسه الوحده، و مؤسسه تشرین، و هیئت التدریب و ... کم و بیش به چاپ برخی از کتابهای مورد نظر خود اقدام می کنند.

در کنار بخش دولتی بخش خصوصی ظاهراً فعالیتها به نظر می رسد. چرا که از انگیزه های قویتری، برای انجام امور مطبوعاتی برخوردار است. در سال ۱۹۸۵ م تعداد انتشاراتی که مجاز و دارای پروانه کار در این زمینه بودند از شانزده مرکز

تجاوز نمی کرد، در حالی که در حال حاضر قریب به یکصد ناشر به کار چاپ کتاب اشتغال دارند که ظاهراً رشد خوبی را در این زمینه نشان می دهد، اما محتوای کاری آنها رضایت بخش نیست. چرا که از کلیه امکانات و تجربیات خود استفاده نمی کنند و مهمتر از همه جو بی اعتمادی بین مؤلف و ناشر به این قضیه دامن زده است، به طوری که نویسندگان ترجیح می دهند کتابهای خود را در خارج از سوریه به چاپ رسانند. از اینرو (۷۵) ناشر، چه بسا در طول سال بیش از دو یا سه عنوان بیشتر به زیر چاپ نبرند که در برخی از مواقع بندرت به پنج عنوان می رسد و فقط ناشران بزرگی چون دار طلاس، الاهالی، الفکر و ... هر یک بالغ بر سی عنوان کتاب در سال به چاپ می رسانند که در مجموع تلاش قریب به یکصد انتشارات در طول سال به (۳۲۵) عنوان کتاب می رسد. در این میان کتابهای تراث که عمدتاً تاریخی و ادبی و فکری مرتبط به فرهنگ و میراث ملی و اسلامی این منطقه است بیش از رشته های دیگر به چشم می خورد و در لابلای کتابهای بسیار ابتدایی و سستی که عمدتاً مواعظ و نصایح و برداشتهای دینی غیر کار ساز است به چشم می خورد. جامعه فرهنگی عرب، اعم از روشنفکران و دانشگاهیان و آکادمیستهای آن، امروزه عمدتاً به بخش تراث روی آورده اند. اگر چه از قدیم در این وادی از تخصص و تجربه بیشتری برخوردار بوده اند. به عنوان مثال آمارهای نهایی دو نمایشگاه کتاب قاهره و تونس نشان می دهد که هفتاد درصد از فروش کتابها به بخش تراث بر می گردد. کتابهای تراث در درجه نخست فروش قرار دارد و کتابهای جدید انتشار و از جمله سیاسی و علمی و پزشکی و کامپیوتر و علوم تطبیقی در مراحل بعدی اقبال جامعه قرار گرفته است. البته در این میان کتابهای ادبی به موازات کتابهای ادبی متعلق به نویسندگان بزرگ خارجی به فروش رفته است.

